

پشتیبانی و همبستگی از فراخوان ۱۶ اسفند کانون صنفی معلمان ایران



بیانیه مشترک سه سازمان جمهوری خواه دموکرات و لائیک

ما، حمله بیوتروریستی جمهوری اسلامی را بشدت محکوم می‌کنیم. از فراخوان ۱۶ اسفند "کانون صنفی معلمان"، پشتیبانی، و با مبارزات عدالت‌خواهی ملت ایران، اعلام همبستگی می‌کنیم.

رژیم در مقابله با جنبش "زن، زندگی، آزادی"، ناکام مانده، مستاصل است. استفاده از ابزارهای جنگی و کشتار خیابانی، با تمام بربریت، نتیجه‌ی مورد نظر رژیم را نداد. ترفند بعدی دستگیری، دادگاه‌های صحرایی، محکوم کردن صدها انسان بی‌گناه به مرگ و اعدام چند جوان، نیز کاری نشد و مبارزان آزادی‌خواه را مصمم‌تر نمود.

ترفند بی‌شرمانه‌ی جدید جمهوری اسلامی، حمله شیمیایی است که اوج درماندگی رژیم را آشکار می‌کند. قربانیان این فاجعه، آسیب پذیرترین فرشته‌های

ایران، دختران دانش آموز میهن‌مان می‌باشند! امروز، سه ماه است که سگ‌های هار رژیم به جان فرزندان و جگر گوشه‌های ایران افتاده و نزدیک به یک هزار دختر دانش‌آموز را مسموم و روانه بیمارستان کرده‌اند.

کانون صنفی معلمان ایران در بیانیه خود می‌نویسد: "سرانجام پس از گذشت بیش از سه ماه انکار، تکذیب و آدرس غلط دادن، وزارت بهداشت مسمومیت دانش‌آموزان دختر در شهرهای مختلف و دادستان کل، عمدی و سازمان یافته بودن این تهاجم‌ها را تایید کردند."

رژیم منحوس باید بداند که قیام ملت ایران با کشتار و اعدام کاری نبود و حمله شیمیایی، مانند نفت روی هیزم، آن را شعله ورتر می‌کند.

استقلال، داد، دموکراسی،

جمهوری، لائیسیت، برابری،

زن، زندگی، آزادی،

ششم مارس ۲۰۲۲ برابر با پانزدهم اسفند ۱۴۰۱

اندیشکده آگاهی و شناخت

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

حزب جمهوریخواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران -
همسازی ملی جمهوریخواهان ایران

□ آدرس سایت های رسمی سه نهاد □

[/https://www.andishkade.net](https://www.andishkade.net)

فرخنده باد روز جهانی زن



بیانیه
جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک
ایران
به مناسبت
روز جهانی زن

8 مارس 2023 برابر با 17 اسفند 1401

در زمانی به بزرگداشت روز جهانی زن می‌رویم که جنبش زنان در ایران، که با اعتراض به قتل مهسا (ژینا) امینی و حجاب اجباری آغاز شد، به سرعت تبدیل به یک خیزش انقلابی علیه دیکتاتوری و رژیم جمهوری اسلامی در تمامیت‌اش، برای کسب آزادی، برابری، حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی... گردید.

در 8 مارس 1908 که کارگران زن کارخانه نساجی نیویورک برای اعتراض به تبعیض و محرومیت و فشار و کمی حقوق قصد اعتصاب داشتند، توسط صاحب کارخانه به همراه نگهبانان برای جلوگیری از سرایت اعتراضات به بخشهای دیگر، مبحوس گردیدند. سپس 129 تن از این کارگران در حادثه آتش‌سوزی سوختند. این واقعه دلخراش مبنای آن گردید که زنان آزادی‌خواه و برابری‌طلب، مستمر برای احقاق حقوق خود، برابری با مردان و بهبود شرایط کاری‌شان مبارزه و تلاش نمایند. تا اینکه در 1977، 8 مارس رسماً بعنوان روز جهانی زن توسط سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد و از آن زمان تا بحال، فعالین زن و مرد با عمق بخشیدن به خواسته‌ها و مطالبات زنان جهان، این روز را گرامی می‌دارند.

زنان ایران همگام با تمامی آزادی‌خواهان می‌روند تا در پیشانی جنبش زنان در ایران، امر رهایی از دیکتاتوری و تبعیض‌های گوناگون را برای کل مردمان ساکن ایران رقم زنند و شرایط یک زندگی بهتر در آزادی و دموکراسی را فراهم نمایند.

جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران روز جهانی زن که نماد رهایی و برابری خواهی زنان است را گرامی می‌دارد و 8 مارس را به همه زنان رهایی‌خواه جهان تبریک می‌گوید.

جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

7 مارس 2023 برابر با 16 اسفند 1401



تظاهرات عظیم ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در بروکسل



در روز دوشنبه 20 فوریه 2023 برابر با اول اسفند 1401 شمار زیادی از ایرانیان مقیم اروپا (نزدیک به 10 هزار نفر) همزمان با نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل مقابل شورای اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی دست به تظاهرات زدند.

یکی از خواسته‌های اصلی تظاهرکنندگان افزودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپاست.

فراخوان این تظاهرات از سوی حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد و دریا صفایی، از چهره‌های شاخص مخالف جمهوری اسلامی داده شده بود.

پیام شیرین عبادی، وکیل سرشناس مدافع حقوق بشر در این تظاهرات پخش شد. او در این پیام با اشاره به کشتار جمعه خونین زاهدان و اعدام‌ها و ترورهای که تا کنون جمهوری اسلامی در خارج از کشور انجام داده کشورهای اروپایی را مورد انتقاد قرار داد که اگر تا حالا به دلیل "بوی نفت"، "بوی خون را در ایران استشمام" نکرده بودند، اینک جنبش "زن، زندگی، آزادی" آنها را "مجبور" به شنیدن صدای مردم ایران کرده است. او گفت: «پایه‌های جمهوری اسلامی در

خون مردم است».

حامد اسماعیلیون، سخنگوی انجمن خانواده‌های جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی طی سخنرانی در این تجمع سپاه پاسداران را “هیولای سیاسی و اقتصادی و امنیتی” نامید و آن را مسئول سرکوب و کشتار مردم در ایران خواند. او با اشاره به فهرستی از نهادهایی که مستقیم یا غیرمستقیم با سپاه در ارتباط هستند و همچنین یادآوری گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه نظیر حشدالشعبی و حزب‌الله به عنوان “بازوی سپاه” در عراق و لبنان خواستار گنجاندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا شد.

متن بالا بخشاً از دویچه وله فارسی برگرفته شده است.

اول اسفند 1401 - 20 فوریه 2023

هواداران
جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، به روال همیشگی شرکت در تظاهرات ایرانیان آزادیخواه در خارج از کشور علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران، و در زیر سه شعار اصلی ایجابی خود یعنی: نه به دیکتاتوری! آری به دموکراسی، نه به دین‌سالاری! آری به لائیسیته!، نه به پادشاهی! آری به جمهوری، در این گردهمایی حضور داشتند و همبستگی خود را با خواست‌های این تظاهرات و با خیزش انقلابی زن زندگی آزادی در ایران اعلام نمودند.

ویدئوها و عکس‌های تظاهرات بروکسل

[rier-Bruxelles-2.mp4](#)

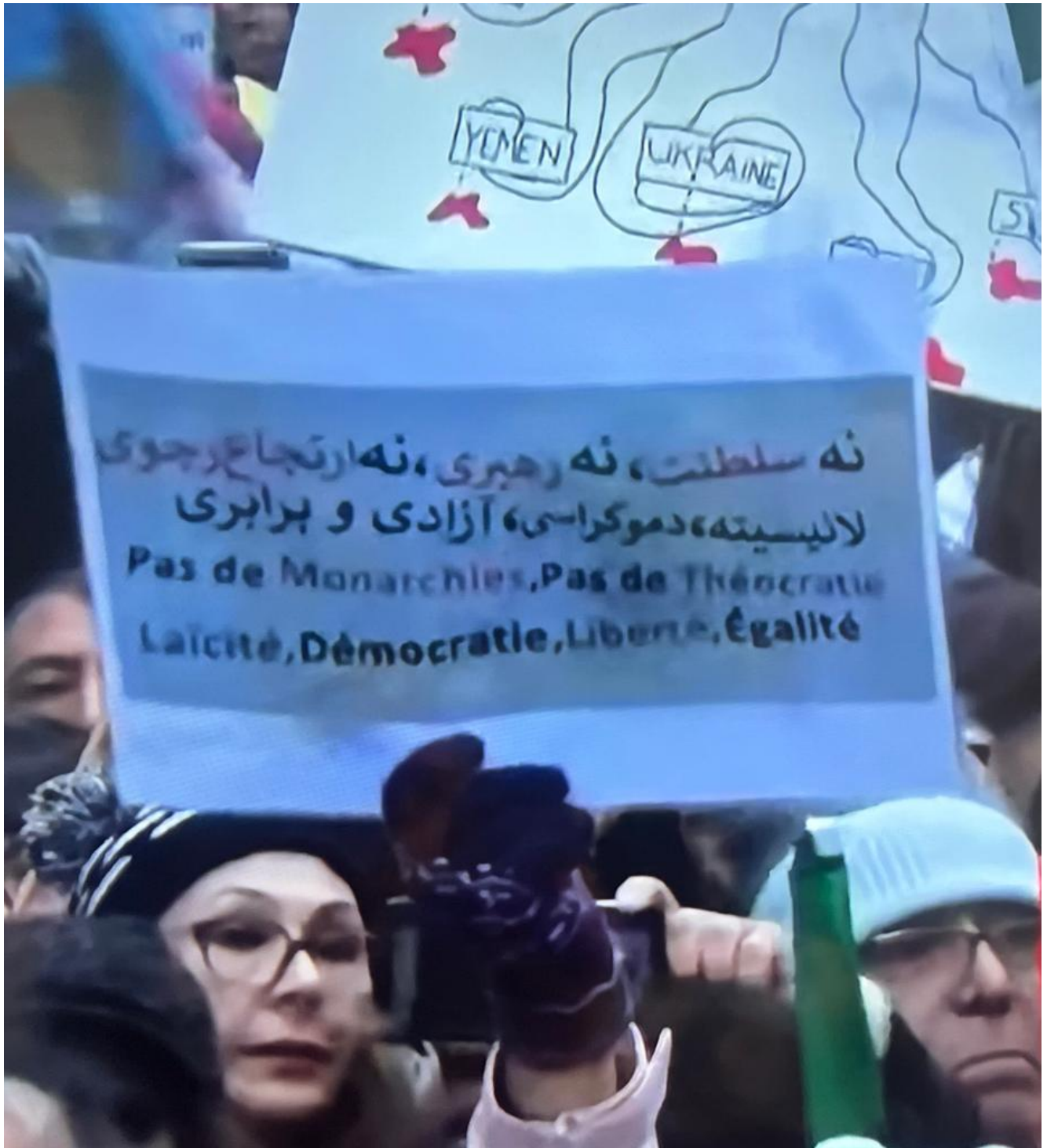
<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-f%C3%A9vrier-Bruxelles-1.mp4>

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-f%C3%A9vrier-Bruxelles-4.mp4>

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2016/08/manif-20-f%C3%A9vrier-Bruxelles-6.mp4>

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-f%C3%A9vrier-Bruxelles-5.mp4>





منشور مطالبات حداقلی



۲۰ تشکل صنفی و مدنی ایران، با امضای منشوری دوازده ماده ای برنامه ای حداقلی خود برای ادامه ی اعتراضات را اعلام کردند

در چهل و چهارمین سالروز انقلاب پنجاه و هفت، شیرازه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور به چنان گردابی از بحران و از هم گسیختگی فرو رفته است که هیچ چشمانداز روشن و قابل حصولی را نمیتوان برای پایان دادن به آن در چهارچوب روبنای سیاسی موجود متصور بود. هم از این رو است که مردم ستمدیده ایران _ زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب _ با از جان گذشتگی کم نظیری خیابانهای شهرها را در سراسر کشور به مرکز مصافی تاریخی و تعیین کننده برای خاتمه دادن به شرایط ضد انسانی موجود تبدیل کرده اند و از پنج ماه پیش - به رغم سرکوب خونین حکومت - لحظه ای آرام نگرفته اند.

پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز به دست زنان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارگران و دادخواهان و هنرمندان، کوئیرها،

نویسندگان و عموم مردم ستم‌دیده ایران در جای جای کشور از کردستان تا سیستان و بلوچستان برافراشته شده و کم سابقه‌ترین حمایت‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده، اعتراضی است علیه زن‌ستیزی و تبعیض جنسیتی، ناامنی پایان‌ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیرمذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته، بر ما - عموم مردم ایران - تحمیل شده است.

این اعتراضات زیر و رو کننده، برآمده از متن جنبش‌های بزرگ و مدرن اجتماعی و خیزش نسل شکست‌ناپذیری است که مصمم‌اند بر تاریخ یکصد سال عقب‌ماندگی و در حاشیه ماندن آرمان بر پای جامعه‌ای مدرن و مرفه و آزاد در ایران، نقطه پایانی بگذارند.

پس از دو انقلاب بزرگ در تاریخ معاصر ایران، اینک جنبش‌های بزرگ اجتماعی پیشرو - جنبش کارگری، جنبش معلمان و بازنشستگان، جنبش برابری خواهانه زنان و دانشجویان و جوانان و جنبش علیه اعدام و... - در ابعادی توده‌ای و از پایین در موقعیت تاثیرگذاری تاریخی و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گرفته‌اند.

از همین رو، این جنبش برآن است تا برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهایی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد.

ما تشکل‌ها و نهادهای صنفی و مدنی امضا کننده این منشور با تمرکز بر اتحاد و به هم پیوستگی جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضدانسانی و ویرانگر موجود، تحقق خواست‌های حداقلی زیر را به مثابه اولین فرامین و نتیجه‌ی اعتراضات بنیادین مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی در کشور می‌دانیم و از همه انسان‌های شریف که دل درگرو آزادی و برابری و رهایی دارند می‌خواهیم از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بر بلندای قله رفیع آزادیخواهی برافراشته دارند.

۱. آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم‌انگاری فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی و محاکمه علنی آمرین و عاملین سرکوب اعتراضات مردمی.

۲. آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، حزب، تشکلهای محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی و تصویری.

۳. لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر قسم شکنجه روحی و جسمی.

۴. اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی‌قید و شرط قوانین و فرم‌های تبعیض آمیز علیه تعلقات و گرایش‌های جنسی و جنسیتی، به رسمیت شناختن جامعه‌ی رنگین‌کمانی "ال‌جی‌بی‌تی‌کیو‌آی‌ای‌پلاس"، جرم زدایی از همه تعلقات و گرایش‌های جنسیتی و پایبندی بدون قید و شرط به تمامی حقوق زنان بر بدن و سرنوشت خود و جلوگیری از اعمال کنترل مردسالارانه.

۵. مذهب امر خصوصی افراد است و نباید در مقدرات و قوانین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور دخالت و حضور داشته باشد.

۶. تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکلهای مستقل و سراسری آنان.

۷. امحا قوانین و هر گونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی و ایجاد زیر ساخت‌های مناسب حمایتی و توزیع عادلانه و برابر امکانات دولتی برای رشد فرهنگ و هنر در همه مناطق کشور و فراهم کردن تسهیلات لازم و برابر برای یادگیری و آموزش همه زبان‌های رایج در جامعه.

۸. بر چیده شدن ارگان‌های سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیر دولتی توسط انتخاب کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب کنندگان باشد.

۹. مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی که با غارت مستقیم و یا رانت حکومتی، اموال و ثروت‌های اجتماعی مردم ایران را به یغما برده‌اند. ثروت حاصل از این مصادره‌ها، باید به فوریت صرف مدرن سازی و بازسازی آموزش و پرورش، صندوق‌های بازنشستگی، محیط زیست و نیازهای مناطق و

اقشاری از مردم ایران شود که در دو حکومت جمهوری اسلامی و رژیم سلطنتی، محروم و از امکانات کمتری برخوردار بوده‌اند.

۱۰. پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی، اجرای سیاست‌های بنیادین برای احیای زیرساخت‌های زیست محیطی که در طول یکصد سال گذشته تخریب شده‌اند و مشاع و عمومی کردن آن بخش‌هایی از طبیعت (همچون مراتع، سواحل، جنگل‌ها و کوهپایه‌ها) که در قالب خصوصی سازی حق عمومی مردم نسبت به آن‌ها سلب شده است.

۱۱. ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش آنان جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده. ایجاد رفاه همگانی از طریق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی قدرتمند برای همه افراد دارای سن قانونی آماده به کار و یا فاقد توانایی کار. رایگان سازی آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای همه مردم.

۱۲. عادی سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی.

از نظر ما مطالبات حداقلی فوق با توجه به وجود ثروت‌های زیر زمینی بالقوه و بالفعل در کشور و وجود مردمی آگاه و توانمند و نسلی از جوانان و نوجوانانی که دارای انگیزه فراوان برای برخورداری از یک زندگی شاد و آزاد و مرفه هستند، به فوریت قابل تحقق و اجراست.

مطالبات مطروحه در این منشور، محورهای کلی مطالبات ما امضا کنندگان را لحاظ و بدیهیست در تداوم مبارزه و همبستگی خود به صورت ریز و دقیق‌تری به آنها خواهیم پرداخت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
اتحادیه آزاد کارگران ایران
اتحادیه تشکلهای دانشجویی دانشجویان متحد
کانون مدافعان حقوق بشر
سندیکای کارگران شرکت نیشکرهفت تپه
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
خانه فرهنگیان ایران (خافا)
بیدارزنی
ندای زنان ایران
صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز

کانون مدافعان حقوق کارگر
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری
اتحاد بازنشستگان
شورای بازنشستگان ایران
تشکل دانشجویان پیشرو
شورای دانش آموزان آزاد اندیش ایران
سندیکای نقاشان استان البرز
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران
شورای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی (بستا)

خطرهای فاجعه جدید در پشت «اصلاحات» دیوان عالی اسرائیل



سیلون سیپل

برگردان: بهروز عارفی

روز ۱۱ فوریه، برای ششمین هفته پی در پی، بیش از ۸۰ هزار اسرائیلی در اعتراض به طرح نتانیاها جهت «اصلاحات» در دیوان عالی به تظاهرات پرداختند.

گرچه هدف از این رفرم تضعیف دولت قانون برای شهروندان یهودی است، ولی بیش از آن، در را بر روی تحکیم شدید تصمیمات تبعیض آمیز بر ضد فلسطینیان باز می کند.

قاضی اِستر هایوت، رئیس دیوان عالی اظهار داشت «این تهاجمی بی پروا بر سیستم قضائی است، گویی [دیوان عالی] دشمنی است که باید مورد حمله قرار داده و وادار به تسلیم گردد»، «ضربه ای مهلک به هویت دموکراتیک اسرائیل» که دولت جدید خود را برای وارد کردن آن آماده می کند. در واقع، یاریو لوین وزیر دادگستری از هم اکنون طرحی قانونی برای جلوگیری از ممانعت دیوان عالی از انتصاب یک وزیر دادگستری (یا به دلیلی اولاتر نخست وزیر) پیشنهاد می کند. اما طرح قانونی که او قصد دارد به رای مجلس واگذار کند، فراتر از آن را در مد نظر دارد. او سه مسیر نیرومند را دنبال می کند:

• تحمیل «بند انصراف» یادشده که به اکثریت مجلس کندیست امکان می دهد که قانونی را بر دیوان عالی تحمیل کند. چون اسرائیل قانون اساسی ندارد، دیوان عالی است که انطباق لایحه های به تصویب رسیده را با چهارده «قانون بنیادی» اسرائیل که در عمل حکم پایه در حقوق اسرائیل را دارد، تأیید می کند؛

• - وزیران قادر خواهند بود که مشاور حقوقی دلخواه شان را انتخاب کنند، که نسبت به دادستان استقلال داشته و به او حساب پس ندهند؛

• به ویژه، نخست وزیر و وزیر دادگستری این توانایی را خواهند داشت که ترکیب کمیته قضائی گزینش قضات دیوان عالی را تغییر دهند. امروز، این کمیته از اعضای حکومت، نمایندگان مجلس، نمایندگان نهادهای قضائی از جمله کانون وکلا برگزیده می شوند، ولی پس از تصویب این «لایحه»، حکومت و اکثریت پارلمانی به تنهایی قاضی های دیوان عالی را انتخاب خواهند کرد.

سکوت کامل در مورد فلسطینیان

هاگایی العاد، رئیس انجمن اسرائیلی دفاع از حقوق بشر، بت سلیم

یادآوری کرد که با این وجود، قاضی هایوت در بیانیه اش به هشت نمونه از نقش دیوان عالی در حفظ دولت قانون اشاره می کند، بی آن که یک کلمه در مورد سرنوشت فلسطینیان در چارچوب سرزمینی که اسرائیل اداره می کند، به زبان آورد. (۱) حتی کوچکترین اشاره ای به جا به جایی گسترده اهالی در شرایط کنونی در برخی آبادی های سرزمین های اشغالی نکرده است. نه حتی کلمه ای درباره «قانون کمیسیون های پذیرش» که به شهرداران اسرائیلی اجازه می دهد تا حق سکونت در محدوده شهرش را به هر فردی که غیرمجاز می شناسد، ندهد. ترجمان آن چنین است: به هر فرد عرب.

به صورتی کلی تر، دیوان عالی در ۷۵ سال موجودیت خود، فرمانداری نظامی تحمیلی دولت اسرائیل بر اهالی فلسطینی مانده بر روی سرزمین های شان از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۶ را پس از نکبه («فاجعه» ی اخراج) تأیید کرده است. همچنین، این دیوان استفاده از «آئین نامه اضطراری» را که از دم و دستگاه قضایی نظامی بریتانیا به حقوق اسرائیلی به ارث رسیده، به طور منظم تأیید کرده است. این آئین نامه ها امکان می دهد که هر فردی را به عنوان «زندانی اداری» دستگیر و به مدت شش ماه قابل تمدید زندانی کرد بدون این که کوچکترین توضیحی در مورد جرم فرضی به بازداشتی داده شود یا او را رسماً متهم نمایند. از زمانی که اسرائیل در سال ۱۹۶۷، سرزمین های فلسطینی را فتح کرد، تعداد فلسطینیانی که از چند هفته تا گاهی پانزده سال زندانی شدند، به ده ها هزار نفر می رسد. تعداد یهودیان اسرائیلی که سرنوشت مشابه داشتند، از شمار انگشتان یک دست تجاوز نمی کند.

نمونه های نقض فاحش حقوق فلسطینیان در تصمیم های دیوان عالی اسرائیل بسیار فراوان است. این دیوان نه از ایجاد شهرک های استعماری جلوگیری کرده، و نه مانع اخراج اجباری، نه غصب دائمی زمین ها و آب سرزمین های فلسطینی، و نه ویرانی پشت سرهم خانه های خانواده های به اصطلاح «تروریست» و غیره.

دفاعی محدود به فقط یهودیان اسرائیلی

خلاصه، رئیس دیوان عالی دفاع از حقوق انسانی ... را فقط به یهودیان اسرائیلی کاهش داده است، و یک بار دیگر نشان داده که این دیوان در مورد داو استعماری، همواره از پوشش «عورت» با برگ مو استفاده کرده است تا وجهه ی یک «دموکراسی اسرائیلی» که همواره ادعا می شود نمونه است، را حفظ کند. به قول

اِلْعَاد «...» ... [فریسیان یک گروه اجتماعی-فکری یهودیان در دوران معبد دوم بود]. در همین راستا، گیدئون لوی، روزنامه نگار توضیح می دهد چرا در تظاهرات های جاری شرکت نمی کند. او خطاب به تظاهرکنندگان می گوید: «...» . «...» .

زیرا در میان صداهایی که در اسرائیل برای اعتراض به فرم دیوان عالی بلند می شوند، بیشتر صدای کسانی بلند است که در صفِ نخستِ تظاهرات راه می پیمایند، و قصد ندارند تغییری در سیاستی دهند که از سالیان دراز به سود اشغال فلسطینی ها به اجرا در می آید . نام اینان برنی گانتس، وزیر دفاع پیشین است که در جریان کارزار انتخاباتی افتخار می کرد که در سال ۲۰۱۴، هنگامی که رئیس ستاد ارتش بود، در بمباران های اسرائیل در غزه «...» را کشته است. یا یکی دیگر از این صداها، گالی باهاراو میارا، دادستان عمومی کنونی اسرائیل و وکیل مدافع پیشین ارتش است که در پرونده پزشک فلسطینی، عزالدین ابوالعیش برنده شد. دکتر ابوالعیش در تهاجم نظامی به غزه در سال ۲۰۰۹، در حمله ی یک تانک به یک ساختمان مسکونی، سه دختر و خواهرزاده خود را از دست داده بود.

البته، اگر سرکردگان صف تظاهرات چنین اشخاصی باشند، و اگر همانگونه که این جا و آن جا دیدیم، این تظاهرکنندگان با خشونت به تظاهرکنندگان ضداستعماری که پرچم های فلسطینی را برافراشته می کنند (عملی که حکومت اسرائیل قصد دارد بزودی شامل مجازات کند)، گروه دوم را کمتر تشویق می کند که به جنبشی بپیوندند که می خواهد از رسیدن نتانیا هو به هدفش جلوگیری کنند. با این وجود، برخی دیگر نظیر ایمن عوده، رهبر جبهه دموکراتیک صلح و برابری (هَدَش - کمونیست)، به رغم مشکلات از جنبش اعتراضی اخیر پشتیبانی می کنند. مسلماً او توضیح می دهد که کارنامه واقعی کنونی دیوان عالی با نمونه ی تقوایی که تظاهرکنندگان ترسیم می کنند، فاصله بسیار دارد، ولی مطیع ساختن آن دیوان اوضاع بسیار بدتری ببار خواهد آورد.

تردیدی نیست که بن گویر، سموتریش و هواداران شان متعصبان بسیار سرسختی هستند. فرمی که یاریو لوین می خواهد در مورد

دیوان عالی انجام دهد راه را بر روی رویدادهایی خواهد بست که حتی تا دیروز غیرواقعی قلمداد می شد. اتفاقی نیست که در اسرائیل، حزب های مذهبی و راست افراطی (از جمله لائیک های شان) نفرت عمیقی نسبت به دیوان عالی دارند. حزب های مذهبی قصد دارند آرمان های الهیاتی خود را ترویج دهند. به زانو در آوردن دیوان عالی برای رعایت دقیق تر قانون خامی ضروری است. گروه دوم (راست افراطی) از این رو مخالف است که دیوان عالی ضمن تأیید سیاست استعماری اسرائیل، در جستجوی شکل هایی از کار است که ظاهراً به حقوق احترام می گذارد.

نظم جدید

برای مثال، شهرک هایی که با ابتکار های شخصی در سرزمین های فلسطینی ساخته شده اند، از نگاه دولت «غیرقانونی» هستند، در آن صورت شهرک های مورد پشتیبانی حکومت «قانونی» محسوب می شوند، هر چند که از منظر حقوق بین المللی غیرقانونی هستند. در اسرائیل تفاوت میان دو نوع شهرک در تردستی است که آنان به کار می برند (شهرک های «غیرقانونی» را تقریباً همیشه چند سال بعد «قانونی» کرده اند). اما این توهم اختلاف در وضعیت شهرک ها امکان می دهد که یا ناآگاهان به حقوق را فریب دهند، یا از کسانی سلب مسئولیت کنند که می گویند فقط «قانون اسرائیل» را رعایت می کنند (به این معنی که به قانون بین المللی احترام نمی گذارند). به دیده ی بن گوبر و سموتریش، ساخت و ساز شهرک های استعماری مأموریتی مقدس است و دیوان عالی حق دخالت ندارد. چه حکومت آن را به اجرا درآورد و چه با ابتکارات خصوصی ساخته شده باشد، این شهرک سازی ها نباید با هیچ محدودیتی روبرو شوند. وزیران فاشیست متحد نتانیا هو می خواهند این جنبه مورد احترام و رعایت قرار گیرد.

زوی بارل، روزنامه نگار اسرائیلی می نویسد: حکومت فراتر از مستعمره سازی سراسر فلسطین، در نظر دارد «□□□□ □□□□ □□□□ □□□□» (۳). نظمی که در آن همه مانع ها در مرزهای کشور برداشته خواهند شد، مرزهای سرزمینی، مرزهای سیاسی و مرزهای اخلاقی. او مرگ اسحاق رابین را یادآوری می کند: پیش از قتل به دست یک یهودی مذهبی متعصب ساکن یک شهرک در سال ۱۹۹۵ او گفته بود: آنچه اردوگاه مدافع شهرک ها می خواهند، کشوری است «بدون دیوان عالی و بدون بیت سلیم». بدون دیوان عالی، سازمان های جامعه مدنی که برای دفاع از فلسطینی ها بسیج می شوند، نظیر بت سلم، سربازان

یهودیان این کشور شده است.

از سوی دیگر، وزیر امنیت ملی بر تحریکات خود افزوده است. نخستین قدم آن، حضور در صحن مساجد، سه روز پس از انتصابش به عنوان وزیر بود. او در صدر است که شرایط بازداشت زندانیان فلسطینی را به صورت قاطعی در زندان های اسرائیل سخت تر کند که آن را به زندگی «در یک هتل» تشبیه می کند. این ناسزاگویی تحقیرآمیزی است. اما به ویژه، او خوب می داند که موضوع زندانیان فلسطینی، که به خاطر کُندِش شان یا اندیشه شان دستگیر شده اند و به مثابه قهرمانان مقاومت شمرده می شوند، - شمار زندانیان در حال حاضر ۴۵۰۰ نفر است که ۵۳۰ نفرشان «زندانی اداری» هستند - همواره عاملی بسیج کننده برای جامعه فلسطین است که تقریباً در طول دهه ها، از هرحانواده یک یا چند نفر در «باستیل» های اسرائیل زندانی بوده اند.

ارزیابی امیره هس خبرنگار روزنامه هآرتس در سرزمین های اشغالی این است که اوضاع کنونی برای بسیاری از یهودیان خطرناک شده است، اما این اوضاع برای فلسطینیان بسیار خطرناک تر است. او می نویسد: «... اسرائیل در حال حاضر در یک وضعیت بسیار خطرناک قرار دارد. این وضعیت به گونه ای است که می تواند منجر به یک بحران جدی شود. اسرائیل باید به سرعت اقداماتی را برای کاهش این خطرناکی ها انجام دهد. (۸) هشدار است، فریادی است برای مددجویی»

در سمپوزیومی در مجلس سنای فرانسه در روز سوم فوریه که فلسطینی ها و اسرائیلی ها شرکت کرده بودند، الیاس صنبر سفیر پیشین فلسطین در یونسکو سخنانی مشابه بر زبان آورد. یهودا شائول، عضو بنیانگذار ان جی اوی Breaking the Silence اظهار داشت:

«برای این که فاجعه پیش آید، هم ترازوی مداری کره ها ضروری است. ما از آن دوریم. اما راهی که به آن می رسد، سنگ فرش شده است.»

زیرنویس ها :

silencieuse »), paru sur le journal en ligne Si'ha Mekomit (appel local), 19 janvier 2023. Article paru en partie en français dans Médiapart, 31 janvier 2023

2 - همان جا

Zvi Bar'el, « Not just about Netanyahu : Judicial overhaul will destroy Palestinian rights », Haaretz, 25 janvier 2023

Refaella Goichman, Nati Tucker, « Netanyahu's Plan to Kill Israel's Media Enters Its Next Phase », Haaretz, 24 janvier 2023

5 - بارل همان جا

Daniel Byman, « The Third Intifada ? », Foreign Affairs, 6 février 2003

Jacob Majid, « CIA director : Current Israeli-Palestinian tensions resemble Second Intifada », Times of Israel, 7 février 2023

Amira Hass, « Over Decades, Democracy for Israeli has been a military junta for Palestinians », Haaretz, 6 février 2022

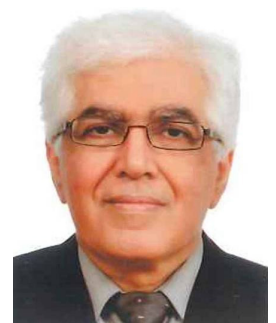
رستاخیز زن زندگی آزادی را

دریا بیم!



فاضل غیبی

آنچه را «رستاخیز زن، زندگی، آزادی» نام دارد، باید به عنوان والاترین رستاخیز دمکراتیک در تاریخ جهان به خوبی بشناسیم و با استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته از ویژگی‌های برجسته و یگانگی آن پاسداری کنیم. در این راستا دو مهمترین خطری که رستاخیز نوین ایران را تهدید می‌کنند، اینها هستند:



1) خطر نخست که در کشورهای ناآشنا با دمکراسی بسیار جدی است؛ اینکه در این کشورها دمکراسی با انتخابات و آنچه از صندوق رأی بیرون می‌آید یکی شمرده می‌شود. اما این ترفند امروزه در دست نیروهای توتالیتار و حتی فاشیستی نیز به بهترین وسیله برای تسخیر قدرت بدل شده است. رفراندم 12 فروردین 1358 از این دیدگاه در تاریخ سیاسی دنیا بی‌همتا بود و باید برای هر آزادیخواهی بزرگ‌ترین درس عبرت باشد، زیرا در آن رفراندم اکثریت قریب به اتفاق مردان و زنان ایرانی با رأی خود آزادانه رژیم فاشیست اسلامی را انتخاب کردند!

بنابراین می‌توان گفت که صندوق رأی در بهترین حالت نمایانگر توازنی است که بر جامعه حاکم شده و اینکه کسانی گذار به حکومتی دمکراتیک و ضامن آزادی‌های فردی و اجتماعی را به «رفراندم» پس

از «سرنگونی» وامی‌گذارند، با توجه به نارسایی منش دمکراتیک و سقوط فرهنگی جامعه در طول چهار دهه گذشته، خطری بزرگ را متوجه رشد رستاخیز نوین ایران می‌کنند! به این تصور از سوی تبلیغاتی دامن زده می‌شود که منتظر سرنگونی قهرآمیز رژیم‌اند، در حالی که صرف‌نظر از ابزار سرکوب بی‌حد و مرز، حکومت اسلامی ایران سرنیزه «بین‌الملل اسلام سیاسی» است و پشتیبانان این حکومت در سطح جهانی (نمونه: قطر) برای پیشگیری از سقوط آن از هر وسیله‌ای استفاده خواهند کرد. وانگهی سرنگونی قهرآمیز حکومت جهل و جنایت با وجود میلیون‌ها «ساندیس‌خور»، اگر به جنگ داخلی منجر نشود، به هیچ روی به برقراری دمکراسی نخواهد انجامید!

اما درست در چنین شرایط هولناکی رستاخیز بزرگ «زن، زندگی، آزادی» نشان داده است که با تکیه بر سرافرازی انسانی، آزادی‌خواهی و تدابیر هوشمندانه می‌توان نه تنها نسل جوان ایران، بلکه تمامی اقشار جامعه را همراه خیزشی کرد که ریزش ساختارهای حکومت آخوندی را باعث خواهد شد.

این رستاخیز با سرشتی کاملاً نوین خلاف تشکلهای اجتماعی و سیاسی پیشین، با مشکلی به نام «رهبری» مواجه نیست، زیرا از «توده» شکل نگرفته، بلکه بر دوش آزادگان ایرانی استوار است. چنان‌که تجربه گردهم‌آیی‌های ایرانیان در خارج از کشور نشان داده است، این خیزش در راه گسترش خود خدمتگزارانی را خواهد یافت که با اتکا به خرد جمعی این رستاخیز را به سوی پیروزی همراهی خواهند کرد. پیوستن پرشمار شخصیت‌های برجسته ایرانی، که در کشورهای دمکراتیک پرورش یافته‌اند، شاهد این ادعا است که در ایران نیز زنان و مردان دانا، هوشمند و کاردان، فعالانه از این رستاخیز پشتیبانی می‌کنند. با این وصف زن، زندگی، آزادی در راه گسترش خود حلقه نوینی از شخصیت‌هایی را برخواهد کشید که نه تنها جنبش کنونی را به سوی پیروزی همراهی خواهند کرد، بلکه با همیاری آزادگان ایرانی شالود دمکراسی را پی خواهند ریخت.

2) خطر دیگری که دمکراسی‌های نوپا را تهدید می‌کند، کارزار تبلیغی دو گروه چپ و راست افراطی است که همواره می‌کوشند با حملات شدید به یکدیگر و هياهو دربار خطر طرف مقابل، خود را هرچه بیشتر مطرح نمایند. هدف این دو گروه این است که با تشنج‌فزایی به ترس و ناامیدی دامن زنند و بدین وسیله سربازگیری کنند. گروه‌های رادیکال چپ و راست ممکن است در اوضاع بحرانی بتوانند فرآیندهای اصلی جامعه را دچار اختلال کرده بدین ترتیب

در رویکردی کودتاوار قدرت سیاسی را تصرف کنند. در این مورد چگونگی فعالیت و ترفندهای تبلیغی دو حزب نازی و کمونیست در دهه 20 سد گذشته در آلمان بسیار آموزنده است.

رستاخیز زن زندگی آزادی با خیزشی به پیشگامی جوانان دختر و پسر آغازید؛ نسلی که خسته و رنجور از شیفتگی خسران‌آور نسل گذشته برای ایدئولوژی چپ و اسلامی خواستار زندگی آزاد، شاد و مرفه در ایرانی آباد، پیشرفته و سرافراز است. پس از شوک هفته‌های نخست که در آنها «بازماندگان اپوزیسیون سنتی» در برابر خیزش نوین ایران مات و مبهوت مانده بلکه درمانده بودند، به تازگی می‌کوشند این جنبش فرهنگی سیاسی را پیامد «مبارزات» خود جلوه دهند و مصادره کنند. آنان پس از چهار دهه که با گرفتاری در توهّمات خود با زوال جمع هواداران روبرو بودند، اکنون می‌کوشند تا با «تاکتیک فرار به جلو» دستکم حسابی برای خود در ایران آیند باز کنند. در حالی که خیزش نوین ایران هم قید و بندهای فکری گذشته، از اسلامی و چپ گرفته تا عرفانی و پستمدرن، را گسسته و با تصویری روشن از اهداف خود به پیش می‌رود.

این مدعیان رهبری هنوز هم درنیافته‌اند که برجستگی شخصیت سیاسی نه بر بقا در موقعیتی است که نصیبشان شده، بلکه به گام‌هایی بستگی دارد که در راستای منافع ملی و بهبود اوضاع کشور برمی‌دارند. زندگی‌نام سیاستمداران برجسته در کشورهای دمکراتیک نشان می‌دهد که بدون استثنا میزان شایستگی و خوشنامی آنان بستگی به شجاعت و ابتکاری دارد که از خود نشان داده‌اند و چه بسا بدوای بدین علت مورد بی‌مهری و حتی دشمنی قرار گرفته باشند.

خوشبختانه در خیزش "زن، زندگی، آزادی" دیگر اینکه فلانی پسر آیت‌الله است و یا بهمانی شاهزاده، اهمیتی ندارد. نمونه آنکه، بنا به داده‌های آماری دو/سوم ایرانیان تسلط اسلام را عامل نابسامانی ایران میدانند و بدین سبب خود را دیگر مسلمان نمی‌دانند، حال آنکه این «رهبران» کماکان بر مسلمانان خود پا می‌فشارند. به همین گونه است خواستار دوستی و همکاری با هم دیگر کشورها (از جمله اسرائیل و آمریکا) و یا بزرگداشت رنگین‌کمان قومی، فرهنگی و دینی در پهنای ایران‌زمین.

رستاخیز "زن زندگی آزادی" با سرشتی کاملاً متفاوت بر خاکستر «تئوری‌های انقلابی» پدید آمده است و با «خیال‌پردازی» حک شده در ذهن "پنجاه و هفتی‌ها" پیوندی ندارد. اما از راهنمایی‌ها و

خردورزی‌های اندیشمندان تاریخ ایران و همچنین خردمندان معاصر کشورهای دیگر سود می‌برد. نمونه آنکه این جنبش خواستار هم‌حقوق و آزادی‌های شهروندان در «جوامع باز» و پیشرفت دنیا است و نه تنها برای آیندگان تصمیم نمی‌گیرد، بلکه در این برهه جز آزادی از قید ضد انسانی‌ترین رژیم‌های تاریخ هدفی ندارد.

رستاخیز نوین ایران نه تنها از بندهای خرافات دینی و اعتقادات تفرقه‌افکن رها شده، بلکه هم‌ایدئولوژی‌های قرن بیستمی را نیز پشت سر گذاشته است. دربندماندگان «مغزهای پوسیده» نمی‌دانند که قدرت خیزش اجتماعی نه در پرشماری هواداران، بلکه در توانایی برای نواندیشی نهفته است. پایگاه این رستاخیز نه تودا افسون‌زده، بلکه آگاه‌ترین گروه جامعه مدنی ایرانی است که ویژگی‌های فردی و اجتماعی مدرنیته را در خود نهادینه کرده است.

اندیشه نقطه مشترک انسان‌ها است و خیزش نوین ایرانیان توانسته با انسان‌دوستی هم‌دیوارهای قومی، مذهبی و جنسی را نابود کند. آن را دیگر باید «رستاخیز» نامید زیرا گفتمان ملتی آزاده را به گونه‌ای بازگشت‌ناپذیر به گفتمان بخش بزرگی از جامعه ایران بدل کرده است.

بدین معنی خیزش نوین ایران نه تنها هر ایرانی را که با اعتقادات پوسیده وداع گفته باشد در خود می‌پذیرد، بلکه آغوش آن برای هم‌گروه‌های ایرانی در عین حفظ «کیستی» و «چیستی» خود نیز گشوده است. گردهم‌آیی برلین پدید تاریخی بی‌همتایی بود که نشان داد ایرانیان تا چه حد از بلوغ اجتماعی و فکری برخوردارند و دمکرات‌منشی را در چه سطح بالایی تحقق بخشیده‌اند. بدین معنی دمکرات‌منشی نه تنها مدارا با دیگر گرایش‌ها و عقاید است، بلکه دفاع از حق و آزادی مخالفان برای ابراز و تبلیغ عقاید خود نیز هست. از این رو، گروه‌های اجتماعی و سیاسی تنها در صورتی می‌توانند مدعی دمکرات‌منشی باشند که فعالانه از آزادی گروه‌های مخالف دفاع کنند!

بنا بر این دمکراسی‌خواهی رنگ نیست که بتوان از امروز به فردا عوض کرد، بلکه یکی از ویژگی‌های انسان مدرن است و گروه‌های افراطی که نمی‌توانند از توهمات و تعصبات خود دست بردارند، طبعاً خود را از پیوستن به رستاخیز تمدنی ایران محروم می‌کنند و دیری نخواهد پایید که با پیشرفت رستاخیز نوین به حاشیه رانده می‌شوند. نمونه‌وار، سازمانی که بر لزوم وجود «روسری» برای زنان پافشاری

می‌نماید، طبعاً خود را از پیوستن به رستاخیز «زن زندگی آزادی» محروم می‌کند و یا گروهی که برای آن آزادی و اختیار شهروندی والاترین آرمان نیست، نمی‌تواند در این رستاخیز نوین جایگاهی شایسته داشته باشد.

گرایشهایی که در طول سه ماه گذشته از سوار شدن بر سیل خیزش نوین ایرانیان ناامید شده‌اند، اینک هم نیروی بجاماند خود را به میدان آورده‌اند؛ از چپ افراطی که «زن، زندگی، آزادی» را «شعاری ضد انقلابی» می‌نامد تا راست افراطی که وانمود می‌کند گویی ایرانیان سرانجام پس از چهار دهه برای بازگشت سلطنت به پا خاسته‌اند!

هرچند این حملات نشان‌دهنده پسرفت رستاخیز «زن، زندگی، آزادی» نیست، اما ضرورت مرزبندی با گرایشهای بازمانده از تسلط متولیان اسلام را نشان می‌دهد. رستاخیز نوین ایران برای هم‌گرایشهای سیاسی و اجتماعی، از دینی تا قومی گشاده‌رو است و همه را مختار می‌کند که حتی با پرچم خود در آن شرکت کنند و به تبلیغ نقطه نظرات خویش بپردازند. اما در عین حال این خیزش مدرن و مترقی باید در برابر کوششهای مورد اشاره برای دگرگونی و مسخ درونمای این رستاخیز نوپا ایستادگی کند.

از جمله آنکه: رستاخیز «زن، زندگی، آزادی» پیش از آنکه در پی «سرنگونی» رژیم اسلامی حاکم بر ایران باشد، با تکیه بر میهن‌دوستی نهفته در نهاد هر ایرانی در راه «ریزش» حکومت جهل و جنایت می‌کوشد. بنا بر این رستاخیزی فرهنگی است که با «رقص و گل و شادی» با رژیم مرگ‌آفرین و «شهیدپرور» می‌رزد. از این‌رو شایسته است که به جای شعارهای اسلامی «مرگ بر...» و «لعنت به...» بانگ شادی و آزادی‌خواهی برکشیم و شعارهای ابتکاری سر دهیم.

نمونه: «ایران، زیباترین زن جهان!»